

«من نیافتم کسی را که سخمن را خوب پذیرا باشد و دستورم را اطاعت کند و گام در گام یاران پدرانم نهد جز دو نفر که خدایشان پیامرزد: عبدالله بن ابی بعفر و حمران بن اعین. هان! این دومی، مؤمنان خالص و پاک اند و از شیعیان ما می باشند که نام آنها نزد ما در کتاب «اصحاب یمن» که خداوند به محمد «صلی الله علیه و آله» عطا فرمود، نوشته شده است.»

این سخن بزرگ را امام صادق علیه السلام درباره دو رادمرد از یاران باوفا و مخلصشان فرموده اند که اکنون به افتخار یکی از آنان، سخنی هرچند ناقص و نه درخور مقامش به میان خواهیم آورد تا گامی کوتاه در شناساندن چهره های تابناک عالم تشیع برداریم که برآستی این بزرگمردان نه تنها مایه افتخار و مباحات ما در طول تاریخ هستند بلکه اینها بودند که با ایثار و فداکاری تمام، سختان امامان معصوم علیهم السلام را در سخت ترین و دشوارترین شرایط نگهداری کرده و به ما رساندند و بزرگترین خدمت را به مکتب و مذهب نمودند.

قبلاً سخنی کوتاه درباره زرارة بن اعین، برادر حمران، این شخصیت بزرگ و جاودانه تاریخمان در همین بخش داشتیم، و اکنون سزاوار است درباره «حمران» بزرگترین فرزندان خانواده اعین نیز سخنی داشته باشیم:

حمران کیست؟

حمران از مشایخ بزرگ شیعه و از اصحاب با فضیلت و فقیه امام باقر و امام صادق علیهما السلام است و از معدود کسانی است که مورد اعتماد و اطمینان آن دو بزرگوار بوده و در علوم مختلف مانند قرآن،



یاران امامان

حمران بن اعین

سید محمد جواد مهری



حدیث، لغت و نحو تسلط داشته و از حکماء قرآن بوده و در علوم مقام و منزلتش، هیچ یک از قدما و متاخرین شک ندارند. او نه تنها از اصحاب امامان که از وکلای ایشان و بقول امام کاظم علیه السلام از خواری امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده است^۱ و در موارد متعددی، از او به نیکی یاد کرده اند و اعلام رضایت از آن یار صدیق نموده اند.

حمران با شناخت عمیقش از مذهب و خدمات ارزنده اش به مکتب، و با اینکه هرگز شک و تردید به دل خود راه نداده و در پیروی از خط مستقیم معصومین علیهم السلام، استقامت ورزیده و هیچوقت منحرف نشده بود، باز گویا هراس داشت از اینکه جزء شیعیان امامان حساب نشود لذا خود گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: من با خدای خود پیمان بسته ام که از مدینه خارج نشوم مگر اینکه از آنچه می پرسم، خبرم دهی و مرا پاسخ گویی.

حضرت فرمود: بپرس.
حمران عرض کرد: آیا من از شیعیانم هستم؟

امام فرمود: آری! در دنیا و آخرت «أنت لنا شیعة فی الدنيا والآخرة».

و در روایت دیگری، چنین نقل شده که حضرت پس از آن فرمودند: و هرگز از شیعیان ما کسی نیست مگر اینکه نام او و نام پدرش نزد ما ثبت شده باشد بجز آنهایی که از ما دست بردارند. حمران گوید: عرض کردم، مگر از شیعیان شما کسی هست که پس از شناخت، از شما بیزار می جوید؟ حضرت فرمود: آری! ولی تو آنان را درک نخواهی کرد!

از این روایت چنین برمی آید که شیعه بودن، تنها با ادعا و در زبان نیست، بلکه باید در عمل، مویم و دستورات امامان را اطاعت کرد و پیروی نمود چرا که شیعه بودن بمعنای پیرو بودن است و پیروی به این است که از خط پیشوایان معصوم تبعیت کنیم و بی قید و شرط گوش به فرمان آنان باشیم و نه تنها در برخی از اعمال که در همه اعمال و کردار و رفتار و اخلاق خود از آنان پیروی نمائیم. مگر نه محمد بن سلم، این یار جلیل القدر امامان و فقیه بزرگ در

جواب کسی که او را به دوستانش نشان داد و گفت: این از شیعیان جعفر بن محمد است، با وحشت و اضطراب بانک برآورد و گفت: به من شیعه نگوئید، بلکه محب بگوئید چرا که شیعه را مقامی والا است و من می ترسم که به این مقام دست نیافته باشم!

حمران، مؤمن خالص

در هر صورت، حمران با اعتراف امام باقر علیه السلام از شیعیان و مقرّبین امامان است. زراره گوید: در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم، سخن از حمران به میان آمد، حضرت فرمود: «اوبه خدا قسم هرگز از ما بر نمی گردد» آنگاه لحظه ای تا قتل فرموده سپس تکرار کردند: «اجل لا یرتد والله ابدأ» آری! به خدا قسم او هرگز مرتد نمی شود و بر نمی گردد.^۳

هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام را شنیدم که فرمود: «حمران مؤمن لا یرتد ابدأ». حمران مؤمنی است که هرگز مرتد نمی شود. آنگاه ادامه داد: «بِعَمِّ الشَّهِيعِ اَنَا وَاَبَائِي لِحَمْرَانَ بْنِ اَعْيَنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، نَأْخُذُ بِيَدِهِ وَاَلْزَمِلُهُ حَتَّى نَدْخُلَ الْجَنَّةَ جَمِيعًا». بهترین شفیع برای حمران بن اعین در روز قیامت، من و پدرانم هستیم که دستش را می گیریم و از او جدا نمی شویم تا اینکه با هم وارد بهشت گردیم.

حمران، اهل بهشت است

بکبیر بن اعین، یکی دیگر از برادران حمران و از اصحاب امامان گوید:

در اولین سالی که به حج رفته بودم، در منی از چادر امام صادق علیه السلام سؤال کردم. چادر را یافتیم، بر حضرت وارد شدم، در چادر جماعتی را دیدم که خدمت

حضرت بودند، به چهره هاشان نگاه کردم، آنان را نشناختم، در گوشه ای از خیمه، امام علیه السلام را مشاهده کردم که مشغول حجامت بودند، حضرت فرمود: نزد من آی! آنگاه پرسید:

ای جوان! تو از فرزندان «اعین» هستی؟

آری، جانم به قربانت.

حمران کجا است؟

قربانت گروم! حمران با اینکه زیاد مشتاق دیدار شما بود، با این حال نتوانست امسال به حج مشرف شود، و او بر شما درود و سلام می فرستد.

ببر تو و او سلام و درود خداوند. حمران مؤمن است و از اهل بهشت می باشد و او هرگز شک نمی کند و از راه خود منحرف نمی شود. نه! بخدا قسم، نه! بخدا قسم.

دانشمند احکام شناس

و نه تنها امام صادق علیه السلام ایمان و خلوص حمران را تأیید می فرماید که بر علم و دانش او نیز صحه می گذارد و او را به عنوان یک دانشمند احکام شناس می پذیرد. هشام بن سالم گوید: یک نفر از اهل شام به خدمت حضرت رسید و سؤالهایی داشت. حضرت به حمران فرمود: این مرد را پاسخ گوی.

آن مرد شامی گفت: من شما را می خواهم (یعنی از شما می خواهم پرسش) نه حمران. حضرت فرمود: «اگر بر حمران چیره شوی، مرا نیز مغلوب خواهی ساخت!» آن مرد رو به سوی حمران کرده و هر چه از او پرسید، حمران وی را پاسخ گفت. آنگاه حضرت صادق علیه السلام به آن مرد شامی فرمود: ای شامی! حمران را چگونه یافتی؟ عرض کرد: او را مردی حاذق و دانا یافتم؛

هر چه از او پرسیدم، مرا فوراً پاسخ گفت. پس از آن، حضرت رو به حمران کرده فرمود: اکنون تو از شامی پیرس. شامی بیچاره در برابر سؤالهای حمران به زانو نشست و نتوانست درست جواب دهد؛ تا آنجا که رو به حضرت کرده و عرض کرد: گویا می خواستی به من بفهمانی که در شیعیانیت مانند چنین مردان زبردست و دانشمندی دیده می شوند؟ حضرت فرمود:

آری! چنین است!

نام حمران بن اعین در ۸۱ روایت دیده می شود که یا خود از امام نقل کرده و یا اصحاب، از او نقل کرده اند. حمران از امام باقر و امام صادق علیهما السلام و از برادرش زراره روایت نقل کرده و آنسان که از او روایت نقل کرده اند بسیارند، از جمله: ابواسامه، ابویوب، ابوجمیل، ابن اذینه، ابن بکیر، ثعلبه بن میمون، عبدالرحمن بن ابی عبدالله، عبدالرحمن بن سنان، عمر بن حنظله، فضیل، محمد بن جمهور، محمد بن مسلم، نصر بن سويد و محمد بن ابی حمزه.

در هر صورت، حمران شخصیتی ممتازی است که مورد ستایش امامان و بزرگان ما بوده و از خاندانی جلیل القدر است که همه آنها از شخصیتهای ارزنده علمی و فقهی تشیع به شمار می روند. مرحوم بحر العلوم «ره» در «الفوائد الرجالیة» خود می نویسد:

[«آل اعین» بزرگترین خانواده های شیعه کوفه بوده است که از نظر مقام و منزلت والاترین مقام را دارا است و از نظر شخصیتهای برجسته در طولانی ترین مدت، بیشترین افراد را به خود اختصاص داده است. این مردان بزرگ، از اصحاب امام سجاد علیه السلام آغاز می شوند و آخرین آنها تا اوائل غیبت کبرای ولی عصر «عج» باقی



بودند که بر علوم گوناگون تسلط داشته اند و می توان بسیاری از دانشمندان، فقیهان، ادیبان، قاریان قرآن و روایت حدیث را در بین آنها یافت. افرادی نامی از آل امین که آوازه بیشتری داشته اند می توان: حمران، زراره، عبدالملک، بُکیر فرزندان امین و حمزه بن حمران، عبیده بن زراره، ضریس بن عبدالملک، عبدالله بن بکیر، سلیمان بن حسن، ابوطاهر محمد بن سلیمان و ابوغالب احمد بن محمد بن سلیمان را نام برد.

ابوغالب زراری در رساله ای که به فرزندش نوشت آمده است: حمران از بزرگترین مشایخ و شخصیت های ارزنده شیعه بوده است که هرگز در او شک و تردیدی راه ندارد او از جمله قرآن بوده و به نحو و لغت تسلط کامل داشته است.

مرحوم سیدحسن صدر در کتاب «تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام» در دو جای کتاب خود به بزرگی و عظمت از حمران یاد می کند، یکی آنجا که پایه گذاران تفسیر قرآن را یاد می کند و دیگر آنجا که از پیشوایان علم نحو و لغت نام می برد. او در کتاب خود یاد آور شده است که حمران روایت را از امام سجاد علیه السلام نیز نقل کرده است و از اصحاب آن حضرت نیز بوده و علم نحو و قراءت قرآن را از ابوالاسود دارد.

در «معجم رجال الحدیث» آمده است: صفوان گوید: حمران همواره با دوستان و یاران خود می نشست و در تمام نشست ها و گفتگوهایش سخن از آل محمد صلوات الله علیهم به میان می آورد و اگر در میان گفتگوهایشان، بحث از آل محمد «ص» بدیگری منتقل می شد، تلاش می کرد که آنان را به سخن اصلی بازگرداند و تا سه بار این تلاش را می کرد، اگر فایده ای

نمی بخشید آنان را ترک می کرد و از مجلسشان خارج می شد.

حسن بن علی بن یقظین گوید: مشایخ و بزرگان ما گفته اند که همانا حمران، زراره، عبدالملک، بُکیر و عبدالرحمن فرزندان امین مؤمن و خالص بودند و در ایمان خود استقامت ورزیدند که چهار نفر آنها در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفتند و زراره تا زمان امام کاظم علیه السلام، حیات داشت و در زندگی رنج های زیادی از دشمنان اهل بیت تحمّل کرد.

ربیعہ الزّوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: این برادران که از عراق به دیدارت می آیند و در بین یاران و اصحاب آنان بهتر و بافضیلت تر نیافتد، چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: همانا آنان اصحاب باوقای پدرم می باشند، و مقصود آن حضرت فرزندان امین بود.

مذاکر:

باجسالی کشلی - رجال الشیخ
فهرست ابن التّیمیم - معجم رجال الحدیث.
وسائل الشیخ علی بن اخیاص -
تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام - الفوائد الرجالیه

۱- اسباط بن سالم در روایتی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود: همانا حمران بن امین از خواری محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهما السلام می باشد. روایت چنانکه در رجال کشی «ره» آمده است، چنین است: «اسباط بن سالم، قال: قال ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام: اذا كان يوم القيامة نادى مناد: این خواری محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله... ثم بنادى المنادى: این خواری محمّد بن علی و خواری جعفر بن محمد علیهما السلام فیقوم عبدالله بن شریک

العامری و زرّاق بن امین... و حمران بن امین ثم بنادى این سایر الشیعه مع سایر الأئمة علیهم السلام يوم القيامة، فهؤلاء المتحورون اول السابقین و اول المغربین و اول المتحورین من التابعین».

۲- حمزه زیات، راوی این حدیث گوید: مدتها در این حدیث با دوستان بحث می کردیم که مقصود حضرت از آن شیعیانی که با شناخت، دست از امامان برمی دارند چیست تا اینکه نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشتم و سؤال کردیم: ایشان که استنا شده اند چه کسانی می باشند؟ حضرت پاسخ نوشتند: اینها «واقفه» هستند یعنی آنان که امام کاظم علیه السلام را قبول دارند و سپس توقف کردند و از سایر امامان، پس از امام کاظم علیه السلام پیروی نمی کنند.

۳- روایت های بسیاری در این باره از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد ایمان و خلوص حمران و اهل بهشت بودن آن بزرگوار نقل شده است از جمله در روایتی حریر بن عبدالله گوید: در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که حمران بن امین و جویری بن اسماء وارد شدند. هنگامی که از مجلس بیرون رفتند حضرت فرمودند: «لما حمران که مؤمن است و اما جویری زندقه ملحدی است که هرگز رستگار نمی شود».

۴- در روایت جالب دیگری که حمزه و محمد فرزندان حمران نقل کرده اند آمده است: در محضر امام صادق علیه السلام و گروهی از بهترین شیعیان و یاران آن حضرت نشسته بودیم و حمران بن امین نیز در بین ما بود. شخصی آمد و شروع کرد با امام بحث کردن. امام صادق علیه السلام به حمران فرمود: ای حمران! چرا سخن نمی گویی؟ حمران عرض کرد: مولای من! من بر خود عهد کرده ام در مجلسی که شما تشریف دارید هرگز حرف ننزنم. امام صادق علیه السلام فرمود: همانا من به تو اجازه دادم که حرف بزنی. آنگاه حمران سخن را آغاز کرده و چنین گفت: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، لم ینخذ صاحبه ولا ولداً، خارج من الحدیث: حدّ التعلّط وحّد التّشبیه وان الحقّ: القول بین القولین، لا جبر ولا تفویض وان محمداً عبده ورسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کله ولو کره المشرکون...»

۵- شیخ مفید در کتاب «اختصاص» خود صفحه ۲۹۷ روایتی را از حمران نقل می کند که بدون واسطه از امام سجاد علیه السلام نقل کرده است.